



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۱ / ۱۰

یونس نگاه

نقش فرد در تاریخ (ترامپ و خامنه‌ای)

قاعدتا اتفاقات تاریخی حاصل عوامل پیچیده‌ای خوانده می‌شود که حتی نقش یک جریان یا حزب واحد را به تنهایی در تعیین مسیر آن‌ها محوری نمی‌دانند. می‌گویند هزاران و بیشتر عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و تصامیم فردی و جمعی داخلی و محیطی منجر به هدایت جامعه به مسیر مشخصی از میان هزاران یا شاید بیشتر مسیرهای ممکنه می‌گردد.

این اصولاً درست است و به همین دلیل آینده غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد. اما در بزنگاه‌ها، گولایی‌ها و یگان نقطه حساس نقش فرد می‌تواند چنان برجسته شود که همه معادله را برهم زند و بسیار احتمالات را خنثی کند. دو مثال از اتفاقات جاری می‌آورم:

۱ - ترامپ در اولین کنفرانس خبری بعد از اختطاف مادورو، مهم‌ترین فرد مخالف مادورو را که امریکایی‌ها و اروپایی‌ها بسیار سر او سرمایه‌گذاری کرده بودند، آدم بی‌اعتبار و فاقد پشتیبانی لازم مردمی در وینزویلا خوانده گفت که خانم ماچادو صلاحیت رهبری کشور را ندارد. به نظر می‌رسد دستگاه استخباراتی و بیروکرات‌های سیاست خارجی امریکا خلاف ترامپ خانم ماریا کورینا ماچادو را آدم مهم و همکار قابل اعتماد می‌دانند.

در این تصمیم‌گیری شیوه کار و نیز خودخواهی ترامپ نقش داشته است. شیوه کار ترامپ درگیری دوامدار و پی‌گیری دگرگونی سیاسی پرهزینه در کشورهای خارجی نیست. او دوست دارد با یک یا چند ضربه محکم یا اعمال فشار شدید و تهاجمی امتیاز بگیرد و برگردد. در تعرفه، در بمباران ایران و عملیات وینزویلا و جاهای دیگر روش او همین بوده است. از این‌رو او نمی‌خواهد امریکا را درگیر تغییر رژیم کند و برای خانم ماچادو پروژه‌ای پرهزینه و طولانی تغییر رژیم را آن‌جا هدایت کند.

خودخواهی و تمایل شخصی‌اش هم در آن تصمیم‌گیری نقش داشته است. او از ماریا ماچادو خوشش نمی‌آید، چون ماچادو در سالی برنده جایزه صلح نوبل اعلام شد که ترامپ و ترامپ‌دوستان می‌خواستند او جایزه را بگیرد. ترامپ بارها گفته است که کسی به اندازه او مستحق جایزه صلح نوبل نیست. در جلسه‌ای که دیروز با رییس‌ان شرکت‌های نفتی داشته نیز در این مورد به تفصیل لاف زده و شکایت کرده است.

ترامپ گفته است که او با توقف «هشت جنگ» جان ده‌ها میلیون انسان را نجات داده است و از این رو نسبت به هر آدم دیگر بیشتر مستحق جایزه صلح نوبل است. او با استناد به گپ صدراعظم پاکستان مدعی شده که تنها با توقف جنگ پاکستان و هند جان بیش از ده میلیون انسان را نجات داده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

در همان مجلس از جایزه صلح نوبلی که به او بامداد داده شده بود، انتقاد کرد. با توجه به این خودخواهی ترامپ شاید خبرنگاری پرسید که اگر خانم ماچادو جایزه صلح نوبل اش را به ترامپ تقدیم کند، آیا او حاضر به حمایت از ماچادو خواهد شد؟ ترامپ از این سوال تعجب نکرد به نظر می‌رسید که خوشش می‌آید که ماچادو بیاید و بگوید «جلالت‌مآب رییس جمهور این جایزه اشتباهاً به من داده شده، و مستحق واقعی آن شما هستید که جهان را به سمت صلح هدایت کرده‌اید و در یک سال حکومت‌تان جان میلیون‌ها انسان را نجات داده‌اید.» ترامپ گفت چند روز بعد قرار است با خانم ماچادو دیدار کند و آن‌جا خواهد دید که او چه دارد و چه می‌گوید. آشکارا نارضایتی خود را از جایزه صلح نوبل به ماچادو پیش‌کامره بیان می‌کرد.

یعنی اگر ماچادو جایزه صلح نوبل را نمی‌گرفت، احتمالاً ترامپ برای تغییر رژیم او را همکاری می‌کرد. ۲ - مثال دیگر خامنه‌ای است. خامنه‌ای آدم ایدیولوژیک است و تا حالا ثابت کرده که برای حفظ قدرت و نظام‌اش حاضر است بسیار هزینه بپردازد. شیوه برخورد او با سیاست و دولت‌داری با بشار اسد بسیار فرق دارد. این آوازه که او برای خروج از ایران آمادگی می‌گیرد با سابقه خامنه‌ای چندان جور نمی‌آید. احتمال این‌که او تا آخرین مرمی بجنگد و برای حفظ قدرت و نظام‌اش فرمان آتش صادر کند و بسیار تلفات و ویرانی به‌جا بگذارد زیاد است. اگر خامنه‌ای در معادله سیاسی امروز ایران نمی‌بود به احتمال زیاد اتفاقات بسیار پیش‌تر از این به سمت دیگری می‌رفت. حالا اگر خامنه‌ای حذف شود، کل معادله ایران تغییر خواهد کرد. اما حذف خامنه‌ای مثل حذف بشار اسد آسان نیست. به همین دلیل نقش فرد در تاریخ مهم است. در آن‌چه امسال و یا شاید چند سال آینده بر ایران می‌آید، نقش خامنه‌ای بسیار سنگین خواهد بود.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین